

## نادیده گرفتن نقص موجب رفع نقص نمی گردد

به دوران دو برنا اگر دیدمی

به گردسر هر دو گردیدمی

یکی آن که گوید بد من به من

دگر آن که گوید بد خویشتن

زمانی، موفق و رو به رشد خواهیم بود که به آن درجه از تمدن و واقع بینی برسیم که اختلاف عقیده ها منجر به جدائی و مشکلات، ازدواج و تحصیل فرزندانمان نگردد و متفقاً درصدد برطرف کردن نقطه ضعف های ملعبه دست عیب جویان برآئیم.

**چشمان خود را باز کنیم** وارد عصری شده ایم که هر خطائی از پیروان ادیان، خاصه باصطلاح (کلمه منحوس) اقلیت سر بزند خواسته یا ناخواسته به نام جمع! در ظرف چند ثانیه بدون سانسور و مصلحت هیچ گروهی، با بزرگنمایی مغرضانه به زبان های مختلف از طریق اینترنت در سراسر دنیا در اختیار دوست و دشمن قرار می گیرد بدون آن که گیرنده یا فرستنده پیام کنترلی داشته باشد به مصداق شعر معروف خاتم مهین عمید:

**دوستان به صفا مفسده جویان به جفا**

**بهم آمیخته نقشی به خط می سازند**

پیامی از ناظری معتبر به همراه عکسی زنده به نام Pidion Peter Chamor دریافت کردم که نشان می داد گروهی از به اصطلاح مذهبیون در دو شهر معروف مختلف به گفته خودشان به پیروی از ۶۱۳ میسواى هلاخا با حضور بزرگان!! جشنی برپا کرده بودند که موجب تاز و شرمندگی همراه با سئوالات بی شمار نگارنده گردید.

شرح دلایل تاز نگارنده مصلحت نیست چون تف سر بالا مورد استناد عیب جویان چشم انتظار قرار می گیرد.

**مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز**

**ورنه در مکتب اینان، منطقی نیست که نیست**

**ماری کوری می گوید: انسان وجود ندارد مگر با کمک انسان های دیگر.**

اینجا بحث ارتدکسی و غیر ارتدکس بی مورد است. آبروی همگانی و سرخوردگی باورمندان خردگرای جامعه و مسئله عدم حس مسئولیت عقلانی مجریان مهملات در میان است که بسیاری از ارتدکس ها نیز از اعمال این گروه اقلیت متأسفند.

شادروان ملا داود پدر خدا بیمارز حاخام ییدیدا حدود هشتاد سال قبل گفته بودند صیرم نیست تا استقلال مجدد کشور ایسرائل به دست آید و بیابند نوشته های ناباب را از کتاب ها حذف کنند، جای بسی تأسف است که برخلاف پیش رفت فوق العاده علم، در اثر فعالیت مروجین واپس گرا، ادیان رویه قهقرا رفته اند.

نگارنده، با اقرار به این که آنچه از این گروه کم شود به گروه دیگر اضافه خواهد شد و از ما کم خواهد شد و اعتراف به کمبود اطلاعات بی شمار خویش به دلیل درک مسئولیت، از اظهار درد ابا ندارد و به مصداق:

**صبحدم از عرش می آمد خروش و عقل گفت**

**مشکلی دارم، ز دانشمندان مجلس باز پرس**

سؤال می کند آیا برای منسوخ کردن هر اصلی از ۳۲۵ اصل از ۶۱۳ هلاخای مورد استناد مجریان موهومات، از آسمان ها کسی آمده بود؟ یا این افتخار دین یهود است که خود را با زمان وفق داده؟

چرا امروز با توجه به پیشرفت اعجاز آور ارتباطات، جامعه یهود برای جلوگیری از دو دستگی های نفرت انگیز و حفظ حرمت دین خود و امنیت نسل آینده نباید هر چه زودتر از این افتخار گذشته پیروی کند و نوشته های ناخوانا با فهم و علم روز را به ۳۲۵ اصل منسوخ شده بیافزاید؟ که گروهی متعصب در دوران ها و مکان های مختلف نتوانند به استناد آنها، دشمن شاد کن و موجب آبروریزی و گمراهی مکرر در مکرر گردند. از مهملات خودی و بیگانه نمی ترسم، از سکوت و بی تفاوتی ها و کوشش مخربین ادیان در لباس ترویج دین می ترسم.

با یکی از مطلعین هلاخا (طریقه اجرا) در مورد نکات ضعف متعدد گفتگو می کردم گفت اینها هرگز اجرا نشده و نمی شود نگران نباش. گفتم اگر شما و بسیاری از رهبران دینی معتقدید بسیاری از نوشته ها، هرگز اجرا نشده و نخواهد شد، حفظ و دفاع از نوشته های غیر قابل اجرا و اعتنای آنها چه لزومی دارد؟ برای تکرار و تحمل مکرر مشقات گذشته؟ آیا نوشته ها و اوامر ارزشمند کم داریم؟ کی می خواهیم از خواب بیدار شویم؟

**من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی خیزند**

**من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد؟**

مشکل اساسی همه ادیان این است که همه کمبودها و نقاط ضعف متعدد گفتگو می دانند و می دانند ولی برای رفع آن اقدامی نمی کنند و در این میان یهودی ستیزان حسود، مانند مگسان همه جای سالم بدن انسان را نمی بینند و مستقیماً روی زخم می نشینند و زخم، همان نقطه ضعف های خود نوشته مزمن همگان است که وظیفه داریم نقطه ضعف های فتنه انگیز دیروز و امروز را شناسائی و از میان برداریم. شما شصت سال از عمر خودتان را در ایران گذرانده اید، آیا هرگز تصور می کردید در ایران زن را به استناد نوشته های چند قرنی سنگسار کنند؟ **گفت هرگز**، گفتم دیدید که گروهی معتقد آمدند و به استناد نوشته ها کردند و چنین پیش آمدهائی منحصر به یک دین و گروه نمی تواند باشد و نمی توان فقط یک دین یا گروه را متهم نمود. باید ریشه ها را خشکاند همانطور که اجداد ما به تقاضای زمان آن ها را منسوخ کردند. آری، انسان ها می میرند و کتاب ها می مانند و مانند گذشته قادرند مکرراً بدترین الگوی

دوستان مطلق اندیش و دشمنان بد اندیش قرار گیرند. مانند امروز منتقدین ناآگاه بدون آن که بدانند یا بخواهند بدانند، حتی درباره نوشته های منسوخ شده دین یهود مغرضانه قلم فرسایی می کنند.

ایکاش قادر بودم عمل شنیع و مناسبت جشن ایشان و امثال آنها و نام کتاب های مذموم منتقدین مغرض با تیراژ یکصد هزار جلدی را برای شما مجسم کنم الزاماً

**من این دو حرف نوشتم چنان که غیر ندانست**

**تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی**

دوستان: انسان لایق لاقید نیست و جوامع لاقید ناگزیر به تحمل مشقات مکرر خواهند بود، واپس گرا دور اندیش نیست چون مقلد است و مقلد نمی تواند درک مطلب داشته باشد می خواهد عین نوشته غیر قابل اجرا را اجرا کند که به بهشت واهی برود و توجه ندارد قسمتی از هویت هر جامعه ای چیزهایی است که نسل جدید و دیگران از عقاید و اعمال ایشان برداشت می کنند. آیا واپس گرایان توجه دارند.

**آنان که به صد زبان سخن می گفتند**

**آیا چه شنیدند که خاموش شدند؟**

یا به ازدواج های نامطلوب پیوستند؟

افراطیون به خوبی متن ۶۱۳ اصل و دلایل منسوخ شدن ۳۲۵ اصل آن را می دانند غافل از اینکه به گفته الوین تافلر بی سوادان قرن ۲۱ کسانی نیستند که نمی توانند بخوانند و بنویسند، بلکه کسانی هستند که نمی توانند آموخته های ناباب کهنه را دور بریزند و دوباره بیاموزند. ولی بدبختانه آنها بدون توجه به زمان و تحمل صدمات گذشته و حال، به لزوم ادامه حذف نکات غیر قابل اعتنا و ناخوانا با فهم و علم روز و آموختن و اجرای بهتر معتقد نیستند و به غلط می گویند اگر اینها نباشد اصل هم نخواهد ماند، بدین معنی که اگر دروغ نباشد حقیقت هم نخواهد بود!! و اگر موجبات بیماری را حفظ کنیم سلامت خواهیم بود.

نمی خواهند درک کنند این نقطه ضعف ها بوده و هستند که مورد استناد عیب جویان قرار گرفته و موجب ضعف اصول بسیار ارزشمند بنیادی دین یهود و هتک آبرو و دوری از دین گردیده و می گردد.

منتظر قدرت مهیب تحمیل زمان نمائیم ضربه زمان دردناک ترین دردهاست سفینه سریع السیر تکامل خشک و تر را از سر راه خود برخواهد داشت و امید به هم گامی سردمداران امور شرعی و مذهبی امروز و احتمال هم یاری ایشان جهت برپائی (انجمن قضات زمان) سنه درین نیست نهضتی و همتی باید که مانند روش اجداد گذشته خودمان و پارلمان های متمدن دنیا، قوانین اجرائی و سنتی را با زمان اجرا تطبیق و این افتخار بدون تردید دین یهود، دائر به حذف ۳۲۳ اصل از اصول ۶۱۳ گانه را ادامه دهیم تا واپس گرایان ایام مدارکی برای تبلیغ و بسط و بقای موهومات نداشته باشند و نسل آینده متحمل تکرار مشقات دیروز و امروز نگردند. به گواهی تاریخ یهودی مانند عقاب که در هنگام باران به بالای ابرها پرواز می کند همیشه برای حفظ مصونیت به علم پناه برده، امروز نوشته ها را با علم زمان تطبیق دهیم و فراموش نکنیم ماموریت دینی ما تیکون عولام یعنی اصلاح دنیا در حد توانائی خویش است نه ادامه تقلید کورکورانه و بهانه به دست عیب جویان و فراری دادن خردگرایان گردیم، حقیقت دین مترقی ما این نیست که قشریون می گویند، بهتر است با استفاده از موقعیت موجود، سعی کنیم اوامر مستند افتخار آمیز بی شمار خویش را به دنیا بشناسانیم، فرصتی که هرگز در اختیار اجداد ما نبوده.

هشدار می دهم، با یکسونگری و استناد به گفته ها و نوشته های ناخوانا با زمان نخواهیم توانست از تکرار مشقات گذشته جلوگیری کنیم بهتر است به اتفاق پیروان همه ادیان، دین را نه تنها به عنوان ارثیه، بلکه به عنوان ودیعه انعطاف پذیر و رو به تکامل بپذیریم. **به گفته سعدیا گانون:** ده فرمان موسی خود شامل ۶۱۳ اصل ثواب میتصواست. که خودگواه مشروعیت ادامه روش منسوخ نمودن، موهومات مانند ۳۲۵ اصل گذشته است ولی هرگز هرگز در سه هزار سال گذشته ده فرمان تغییر نکرده و نخواهد کرد چون جاودانی و منطقی، و هم گام همه زمان ها و مکان ها و حقوق بشر امروز است. و این همان است که گفته اند:

**به چیزی متکی باش که مرور زمان بر آن تاثیر نکند و آن را تغییر ندهد.**

دوستان: عکس العمل بعضی از متعصبین را می دانم حدس بزنم، ولی مانند همه می توانم عقاید خود را بیان کنم و می دانم نفس دین تغییر ناپذیر است و هیچ دستوری در هیچ یک از مذاهب، تاریخ مصرف ندارد ولی تاریخ مصرف قوانین مذهبی در خود قوانین نهفته است که همانا تطبیق با زمان اجراست که دین یهود مفتخر است در حدود دو هزار سال قبل انجام داده و یقیناً طبق دستور و به حکم زمان ادامه خواهد داد.

مشکل اساسی دین، سکون آنست و بقای علم در تغییر پذیری دائمی آن، بزرگترین مشکل، بی دانشی نیست، پندار دارا بودن دانش در لباس دین و مطلق اندیشی است و این مطلق اندیشی است که دین را وسیله کسب قدرت قرار می دهد و قدرت فساد می آورد و قدرت مطلق فساد مطلق، به طوری که تقلید و خشک اندیشی و تعصب، دشمن واقعی اندیشه و مسدود کردن دید انسان ها به واقعیت دنیای ادیان گردیده ست و گروه نزدیک بین توجه ندارد.

دنیا پس از دریافت کتب مذهبی متوقف نشده و نخواهد شد.

**گر مرغ شب به روز نبیند، عجب مدار**

**زیرا به بین که باصره اش کمال نیست**

**پرزیدنت جفرسون می گوید: نادانی برتر از اشتباه است، آن که چیزی را باور ندارد با حقیقت فاصله کمتری دارد تا آن که باور هایش اشتباه است.** ناآگاه مروج تاریک اندیشی توجه ندارد تاریکی را با تاریکی نمی توان زائل نمود و با ایجاد دردهای بدتر نمی توان درد

را درمان کرد و غافل ترین مردم دنیا آنانند که از دگرگونی های دنیا پند نمی گیرند. انسان ها را به عقل و عملشان به سنجیم نه به باور و ظاهرشان.

یکی از نکته ضعف های اجتماع که مذهبیبون در تبلیغات خود آن را وسیله قرار می دهند مسئله ویرانگر ازدواج های مختلط است که نگارنده نیز هم صدا با ایشان از دواج های مختلط را موربانه پایه های جامعه می داند و به مذهبیبون عرض می کند شما برای رفع درد، خود موجب دردی مضاعف، یعنی دوگانگی داخلی همانا از دواج مختلط فتنه انگیز ارتدکس و غیر ارتدکس و ایجاد دردی بدتر که هرگز در جامعه ما سابقه نداشته شده اید که مداوا ندارد و امروز بسیارند که بهمان نحو که مایل به ازدواج با دیگران نیستند بدتر از دو غریبه از یکدیگر دوری می کنند. این است محصول ترویج دینداری واهی شما.

و عده ای از ایرانی ها نیز به گمان این که جنس خارجی بهتر است! آمدند راه رفتن کبک گتوهای اروپای شرقی را تقلید کنند راه رفتن، به اراده خود را فراموش کردند و دیگر نه آند نه این! غافل از این که برخلاف روش اجدادی ما که هرگز دین ابزار کسب درآمد نبود امروز برای گروهی ابزاری بیش نیست. این شما هستید که محدوده تنگ را تنگ تر فرموده اید و فرزندان جامعه ای که حق انتخاب یک دست را داشتند در لباس ترویج دین متلاشی کردید و می کنید و امروز می بینیم برخلاف مصلحت همگانی بدون توجه به اصالت ارتدکس روشنفکر واقع گرا با نزدیک بین، گرچه دین را ترک نکرده اند در سرگردانی مطلق، بدتر از غریبه ارتدکس و غیر ارتدکس حتی خواهر و برادر از لطف شما از یکدیگر گریزانند و بدینوسیله ازدواج های مختلطی به ازدواج های مختلط قبلی اضافه کرده اید و از این سینت هینام (معارضه بیهوده) در لباس دروغین دین، دست بردار هم نیستید و به امثال نگارنده معترض می گویند ما درست می گوئیم و شما نمی فهمید که ما درست می گوئیم؟! چون با عینک سیاه تعصب، روشنی حقایق را نمی توان دید.

**دوستان:** نویسنده بی تجربه کسی است که از سفر بحث می کند بدون آن که به سفر رفته باشد، از مناظری تعریف می کند بدون این که آنها را دیده باشد ولی نگارنده به همراه بسیاری از خانواده های گرفتار، رنج سفر را چشیده و مناظر تاسف آور، عدم توافق بی مورد، غیر عاقلانه، حتی فسخ نامزدی ها و قطع روابط صمیمانه گوناگون را به دلیل روش های مذموم دوگانه و غیره بی سابقه در جامعه را دیده و درک کرده آنجا که منطق مروجین ادیان تقلید کورکورانه و ابزار قرار دادن دین برای تحمیق باشد **حفظ هویت و ترویج دین حتی نام دین و کتاب ها بهانه ای بیش نیستند.**

هشدار می دهم: وابستگی خانوادگی و دینداری و ازدواج صمیمانه بی رنگ و ریای اجداد خود را قدر بدانیم، پایه بقا و ایمان خالی از خرافات فرهنگ گنوی ایشان، تورات مقدس بوده و بس.

فردا شما نخواهید توانست فرزندان الوده به خرافات خود را نجات دهید، چون نجات غریق (والدین) هر چند ورزیده و ماهر باشد نه تنها نخواهد توانست غریق را از مرداب نجات دهد، بلکه خود نیز غرق خواهد شد قبل از هر چیز معلمین و کتب درسی فرزندان خود را کنترل کنیم و بهترین راه شناخت معلمین، شناخت باورهای ایشان است. شما نخواهید توانست با کسانی که ایمان دارند چنانچه فرزندان شما را با تغییر روش، از خانواده جدا کنند میصوا (ثواب) کرده اند، منطقی صحبت کنید.

تردیدى نداشته باشید چنانچه تعلیم فرزند خود را به غلام بسپارید فردا دو تا غلام خواهید داشت و فراموش نکنید **پاداش انجام به موقع مسئولیت، آرامش فردای خانواده است، عقاید و گفته های غیر منطقی را سرسری نگیریم** فردا سر سفره همگان قرار خواهد گرفت و چنانچه فرد یا جامعه ای نتواند در همه امور تعادل خود را حفظ کند بدون تردید سقوط خواهد کرد.

اجداد ما موقعیت و مقدرات خوب و بد امروز ما را نداشتند برای تامین سعادت فرزندان و نواده ها در رفع کمبودها کوشا باشیم. خوشبختی از طریق برداشتن قدم های صحیح به موقع، به دست می آید و تا روزی که بشر خود را لایق آن نسازد واز قفس تنگ نفرت آفرین تعصب دینی و فرقه ای خارج نشود به سراغش نخواهد آمد.

**خلیل جبران خلیل** نویسنده نامی لبنانی مسیحی چنان از عقاید غیر عاقلانه آزرده بوده که می نویسد از مترسکی (لولو سر خرمی) سؤال کردم آیا از تنها ماندن در این مزرعه بیزار و خسته نشده ای؟ پاسخ داد ترساندن دیگران برای من لذت بخش است اندکی اندیشیدم سپس گفتم راست گفتی زیرا کسی نمی تواند از تحمیق دیگران چنین لذتی ببرد مگر آن که مانند تو درونش از کاه پر شده باشد. آری فقر یک جامعه در اذهان مبتلا به خرافات ریشه می گیرد و در دریای عاری از اندیشه و تفکر سالم غرق می شود در اینجاست که فریاد می گوید: عقل ستیزی دینی نوعی بیماری است که هنوز درمانی برای آن یافته نشده است.

پیری خود را در آئینه نگاه می کند و آه می کشد و می گوید آئینه هم آئینه های قدیم! ملا هم ملاهای قدیم روانش شاد حاخام یدیدیا، با لهجه می گفت آقا نه کنید نه کنید

**هست اندر صورت هر قصه ای**

**نکته بینان را ز معنا قصه ای**

برای دریافت این مقاله و سایر مقالات ماهیانه و کتاب فارسی و انگلیسی لحظاتی برای تفکر به [babanouri.com](http://babanouri.com) مراجعه نمایید.